

آسایش است برسد.

به فرمان تو ای فروغمندترین، می‌پذیرم و می‌اندیشم و می‌گویم و می‌ورزم (عمل می‌کنم) به دین اویژه (مَزْدَیَسْنَا). استوارم در نیکوکاری. بازگشت می‌نمایم از هر گناه و بزه. پاک و پالوده نگاه می‌دارم کردار ذاتی و فطری خود را. پاک نگاه می‌دارم شش نیروی روانی خود را یعنی: کردار، گفتار، اندیشه، ویر، هوش و خرد را.

به میل و کام تو، ای خداوند کرفه‌گر (نیکوکار) اعمال و کردارم را به جای می‌آورم و آن پرستشی است که با اندیشه و گفتار و کردار نیک همراه است، تا که بتوانم راهرو و پویای راه روشن و پاک باشم و از عذاب دوزخ ایمن باشم و به آسانی از چینوت پل بگذرم و به آن جایگاهی رسم که آراسته به همه زیبایی‌ها و نیکی‌ها و روشنی‌هاست.

ستایش به آن بزرگ خداوند بخشنده که بخشنده پاداش است به فرمان بزرگواران. و در انجام و آخر نیز گنه‌کاران را هم از دوزخ رهایی می‌بخشاید و همه آفریدگان را به پاکیزگی و رستگاری خواهد رساند.

صد و یک نام خداوند

- ۱- ایزد: سزاوار ستایش.
- ۲- هَرَوِشپ توان: توانا بر همه چیز.
- ۳- هَرَوِشپ آگاه: دانا و آگاه به همه چیز.
- ۴- هَرَوِشپ خدا: خداوند همه.
- ۵- اَبَدَه: بی‌آغاز.
- ۶- اَبی انجام: بی‌آغاز.
- ۷- بُنِشَت: بن آفرینش.
- ۸- فَرَاخ تَنَهَه: همه را انجام از اوست.
- ۹- جَمَخ: از همه بزرگ تر.
- ۱۰- فَرَجَه تَرَه: از همه برتر.
- ۱۱- تام اَفیج: پاک ترین.
- ۱۲- اَبَرَه وَنَد: از همه بالاتر و از چیزی

- ۱۳ - پَرُوئِنْدَا: با همه پیوند دارد.
- ۱۴ - اَن آيَاپِه: اوست نایاب، درنیافتنی.
- ۱۵ - هَم آيَاپِه: اوست همه یاب.
- ۱۶ - اَدَر: راست ترین.
- ۱۷ - گِیرَا: دست‌گیر.
- ۱۸ - اَچِم: بی‌علت.
- ۱۹ - چَمْنَا: مسبب‌الاسباب.
- ۲۰ - سَپِنْتَا: افزونی‌کننده، پیشرفت‌دهنده.
- ۲۱ - اَفزَا: افزایش‌دهنده.
- ۲۲ - نَاشَا: عادل، دادگر.
- ۲۳ - پَرَوَرَا: پرورنده.
- ۲۴ - پَانِه: پاسبان.
- ۲۵ - اَئین آئینِه: از ذات خود نگردد.
- ۲۶ - اَن آئینِه: بدون شکل و چهره.
- ۲۷ - خَرُاَشیدتوم: بی‌نیازترین.
- ۲۸ - مینوتوم: ناپیدا، کسی که او را نتوان دیدن.
- ۲۹ - وَاشْنَا: همه جاهست.
- ۳۰ - هَرُوسپ توم: والا، وجود مطلق.
- ۳۱ - هوش پاس: سزاوار سپاس.
- ۳۲ - هَمید: امید همه به اوست (هَرُهمیت).
- ۳۳ - هَرَنیک فرِه: هر فرنیکی اوست.
- ۳۴ - بیش تَرْنَا: رنج‌زدا.
- ۳۵ - تَرُوییش: بدی‌زدا.
- ۳۶ - اَنوشک: جاودانی.
- ۳۷ - فَرُشک: مراد دهنده.
- ۳۸ - پَرُوهَدَهَه: پَرُوهیدنی.
- ۳۹ - خُوَاپَر: فروغمند.
- ۴۰ - اَوُخْشیا: بخشاینده.
- ۴۱ - اَوُرُزَا: برتری‌دهنده.
- ۴۲ - اَسْتو: ستوده‌نشونده.
- ۴۳ - رَخو: بی‌نیاز.
- ۴۴ - وَرُون: رهاننده.
- ۴۵ - اَفْرِیقه: فریب‌نخورنده.
- ۴۶ - اَوُفْرِیپ تَه: فریب‌ندهنده.
- ۴۷ - اَدَوای: یکتا.
- ۴۸ - کَام رَد: کامروا.
- ۴۹ - فَرْمَان کَام: به میل خود فرمان‌دهنده، خود کام.
- ۵۰ - اَیخْتَن: بی‌انباز و بی‌شریک.
- ۱ - بسیاری از این نام‌ها، شکل درست‌تر فارسی‌شان در دست است، اما صورت معمول و مصطلح‌شان ضبط شد و مطابق معمول از ساخته‌های مغان در زمان ساسانیان می‌باشد چون در دین و دیدگاه زرتشت، اهورامزدا همان است که در گائها توصیف شده است.

- ۵۱ - اَفَرْمُوش: فراموش نکننده .
 ۵۲ - هَمَارْنا: شمارکننده .
 ۵۳ - شَنایا: قدردان، شناسا به همه چیز.
 ۵۴ - اَتْرَس: بی ترس .
 ۵۵ - اَبیش: بی رنج .
 ۵۶ - اَفراز دوم: سرافرازترین .
 ۵۷ - هَم چون: همیشه یکسان .
 ۵۸ - مینوستیگر: آفریننده جهان مینوی .
 ۵۹ - اَمینوگر: آفریننده جهان مادی .
 ۶۰ - مینونهب: روح مجرد .
 ۶۱ - اَذرِبادْگَر: سازنده هوا از آتش .
 ۶۲ - اَذرِئْمْگَر: سازنده آب از آتش .
 ۶۳ - باد اَذرْگَر: سازنده آتش از هوا .
 ۶۴ - بادنْمْگَر: سازنده آب از هوا .
 ۶۵ - بادِگِلْ گَر: سازنده خاک از هوا .
 ۶۶ - بادِگَر توم: سازنده هوا و زمین .
 ۶۷ - اَذرِکِبریت توم: افروزنده آتش ها .
 ۶۸ - بادِگَر جای: سازنده باد .
 ۶۹ - آب توم: سازنده آب .
 ۷۰ - گِل اَذرْگَر: سازنده آتش از خاک .
 ۷۱ - گِل داتْگَر: سازنده هوا از خاک .
 ۷۲ - گِل نِمْگَر: سازنده آب از خاک .
 ۷۳ - گَرگَر: سازنده سازندگان .
 ۷۴ - گَر اَگَر: سازنده امیال .
 ۷۵ - گَر اَگَر: سازنده انسان .
 ۷۶ - اَگَر اَگَر: آفریننده عناصر اربعه .
 ۷۷ - گَر اَگَر گَر: آفریننده هستی .
 ۷۸ - اَگَر اَگَر گَر: آفریننده
 ۷۹ - اَگَمان: بی گمان .
 ۸۰ - اَزمان: بی زمان .
 ۸۱ - اَخوان: بی خواب .
 ۸۲ - اَمُشت هوشیار: همیشه هوشیار .
 ۸۳ - پَشوتنا: نگاهدار تن .
 ۸۴ - پَدمانی: پیماندار، دادگستر .
 ۸۵ - خداوند: خداوند .
 ۸۶ - فیروزگر: پیروزمند .
 ۸۷ - اَوْرَمَزْد: هستی بخش دانا .
 ۸۸ - اَبَرین کُهَن تَوان: آفریدگار پرتوان .
 ۸۹ - اَبَرین نُوتَوان: توانا به برانگیزاندن مخلوقات .
 ۹۰ - وِسپان: خداوند جهان، فریاد رس .
 ۹۱ - وِسپارْ (وَسفر): بخشنده، نگهبان جهان .
 ۹۲ - اَهُو: کار نیک کننده .
 ۹۳ - خَواوَر: آفریدگار .
 ۹۴ - اَوخْشیدار: بخشنده، همیشه بیدار .

خرده‌اوستا □ ۵۵۳

- ۹۵- دادار: آفریدگار، خداوند.
 ۹۶- رایومند: درخشنده.
 ۹۷- خَرَه‌مَند: باشکوه.
 ۹۸- داور: داور.
 ۹۹- کزفَه‌گر: نیکوکار.
 ۱۰۰- بوختار: نجات دهنده، رهاننده.
 ۱۰۱- فَرَشوگر: رستاخیزکننده.

هم‌آزور فروردینگان

توانا و فروغمند باد فَرَوَهَرِ زرتشت اسپیتمان، توانا و فروغمند باد فَرَوَهَرِ همهٔ کسانی که از مردم گوناگون، دین پذیرفتند و آنرا با پاکی و نیروی ایمان در همهٔ گیتی پراکندند و آموزاندند.

توانا و فروغمند باد فَرَوَهَرِ شاه ویشتاسپ، و فَرَوَهَرِ همهٔ شهریاران دادگر و دیندار دیگر، و همهٔ موبدان و فرمانروایان نیک.

توانا و فروغمند باد فَرَوَهَرِ «جاماسپ» دانا و همهٔ فَرَوَهَرانِ دانایان دیگر که راه خرد و دانش را به مردمان آموختند و شیوهٔ بهترین دادگری و زیست را منتشر کردند.

توانا و فروغمند باد فَرَوَهَرِ «فَرَشوشتر» و همهٔ فروهرانِ دشمنان و بخشندگان و نیک کرداران که بسی کوشیدند و نیک کرداری و دهش و کوشش را به مردمان آموختند.

توانا و فروغمند باد فَرَوَهَرِ «سنه اهمستیدان»، آن بزرگ آموزگار دین، و همهٔ فَرَوَهَرهایِ هیربدان و آنان که با کوشش و همت راه و شیوهٔ دین آموختند و همهٔ آموزگاران و پیشه‌وران و پیکاریان و شهریاران و شهروندان و مردان و زنانی که بودند و هستند و از این پس خواهند آمد و

101 Names of God, Persian.